

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲۵

تاریخ تصویب مقاله: ۹۰/۵/۱۰

رابطه سبک های اسنادی با افسردگی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان اهواز

دکتر منیجه شهنی بیلاق*، ناهید جلیل زاده** و دکتر غلامحسین مکتبی***

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه سبک های اسنادی با افسردگی و عملکرد تحصیلی انجام شد. جامعه آماری در این تحقیق تمام دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز و نمونه پژوهش شامل ۴۰۰ نفر از دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز بودند، که بر اساس نمونه گیری تصادفی مرحله ای انتخاب شدند. در این تحقیق از دو پرسشنامه سبک های اسنادی کودکان و افسردگی کودکان استفاده شد و ویژگی های روان سنجی آنها نیز مورد بررسی قرار گرفت که در حد مطلوب ارزیابی گردید روش های آماری به کار گرفته شده در این پژوهش، همبستگی ساده و رگرسیون چند متغیری بودند که نشان دهنده روابط معنی دار بین متغیر های مورد بررسی است. نتایج نشان داد که اسناد رویدادهای منفی

* استاد دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز Email:

mshehniyailagh@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز

*** استادیار دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز

به عوامل پایدار، کلی و درونی و اسناد رویدادهای مثبت به عوامل بیرونی، ناپایدار و جزئی افسردگی را پیش بینی می‌کنند. همچنین، اسناد رویدادهای منفی به عوامل ناپایدار و جزئی، با عملکرد تحصیلی بالا رابطه داشت و اسناد رویدادهای مثبت به عوامل پایدار و کلی با عملکرد تحصیلی بالا همراه بود.

واژه های کلیدی: سبک های اسنادی، افسردگی، عملکرد تحصیلی، دانش آموزان.

مقدمه

خشنود زیستن در دورانی که تغییرات سریع اجتماعی و تکنولوژی به وقوع می‌پیوندد، کار آسانی نیست. افسردگی و اضطراب از شایع ترین اختلالات روانی در جوامع بشری محسوب می‌شوند. (یزدان بخش، ۱۳۷۴) افسردگی واکنشی عاطفی و احساسی است که معمولاً در پی ناکامی یا شکست روی می‌دهد و در پی آن ناامیدی از تمامی انگیزه ها به وجود می‌آید. نکته‌ی قابل توجه این است که دستگاه ذهنی انسان هیچ گاه ترس یا اضطراب را بیرون از وجود خود درک نمی‌کند و این خود انسان است که با توجه به هدف ها، انگیزه ها و پیش داوری هایش نسبت به هر احساس و تجربه ای در جهان خارج و زندگی شخصی، خانوادگی یا محیط اجتماعی، واکنش روانی و عاطفی نشان می‌دهد. این تجربیات و احساسات می‌توانند در پاره‌ای موارد حتی غیر واقعی باشند. (حمیدی نیا، ۱۳۸۷) همچنین، زمانی تصور می‌شد که اختلال افسردگی فقط ویژه بزرگسالان است و کارکرد آن‌ها را مختل می‌کند (هامن^۱، ۱۹۹۷)؛ اما اکنون متخصصان تایید می‌کنند که کودکان نیز می‌توانند افسردگی را تجربه کنند. در پژوهش‌های بسیاری سعی شده تا رابطه افسردگی افراد را با سبک اسنادی^۲ آن‌ها مورد بررسی قرار دهند. برخی سبک های اسنادی را یک متغیر شخصیتی نسبتاً پایدار می‌پندارند که مبنای شناختی دارد و نشان می‌دهد چگونه افراد رویدادهای ناگوار زندگی خود را تفسیر می‌کنند. رویدادهای ناگوار برای همه اتفاق می‌افتند، ولی افراد مختلف این موقعیت ها را به صورت مختلف، که از

^۱ - Hammen

^۲ - attributional style

نظر خاستگاه پایداری و کنترل پذیری تفاوت دارند، توجیه می کنند. (پیترسون^۱ و بارت^۲، ۱۹۸۷؛ پیترسون و پارک^۳، ۱۹۹۸؛ پیترسون و سلیگمن^۴، ۱۹۸۴) همچنین، عده ای دیگر سبک های اسنادی را به صورت یک صفت کلی تلقی می کنند. این گروه، سبک های اسنادی را تمایلی برای ارائه یکنواخت تبیین های مربوط به رویدادهای مختلف تعریف می کنند. پترسون و همکاران (به نقل از رجبی، شهنی بیلاق، حقیقی و شکرکن، ۱۳۸۴) معتقدند که سبک های اسنادی دو نوع رویداد را در بر می گیرند: الف: رویداد های مثبت و ب: رویداد های منفی. هر کدام از این رویدادها نیز سه مؤلفه دارد:

اسناد درونی- بیرونی^۵؛ اسناد پایدار- ناپایدار^۶ و اسناد کلی- جزئی^۷. اسناد درونی- بیرونی عبارت است از نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل درون شخص، در مقابل نسبت دادن آن به عوامل خارج از شخص، محیط یا موقعیت. اسناد پایدار- ناپایدار شامل نسبت دادن علل موفقیت و شکست به عوامل پایدار و همیشگی، در مقابل علل کوتاه مدت و ناپایدار است. همچنین، اسناد کلی- جزئی به نسبت دادن علل موفقیت و شکست به تمام موقعیت ها، در برابر نسبت دادن آن به یک موقعیت خاص مربوط است. (واینر^۸، ۱۹۸۵)

در پژوهش های مختلف روان شناختی، سبک های اسنادی برای پیش بینی افسردگی، به طور گسترده، مورد استفاده قرار گرفته اند. (هاجیل^۹، بوش^{۱۰} و وارن^{۱۱}، ۱۹۹۶؛ پیترسون و سلیگمن، ۱۹۸۴؛ سلیگمن، ۱۹۹۱) در واقع، نظریه سبک های اسنادی چارچوبی برای بررسی

¹ - Peterson

² - Barrett

³ - Park

⁴ - Seligman

⁵ - internal-external

⁶ - stable-unstable

⁷ - global-specific

⁸ - Weiner

⁹ - Hjelle

¹⁰ - Busch

¹¹ - Warren

سازه‌های خوشبینی^۱ و بدبینی^۲ ارائه می‌دهد و با مفهوم درماندگی آموخته شده^۳، مرتبط می‌باشد. باشد. (رجبی و شهینی ییلاق، ۱۳۸۴) در همین راستا، یونگ^۴ (۲۰۰۴) به بررسی سبک‌های اسنادی، خود‌پنداره و افسردگی کودکان ۹ تا ۱۱ ساله هونگ کونگی پرداخت. نتایج نشان داد که کودکانی که رویدادهای منفی را به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت می‌دهند، خود‌پنداره پایین‌تر و استرس و اضطراب بیشتری دارند و بعد از رویداد‌های استرس‌زا، علائم افسردگی بیشتری از خود نشان می‌دهند. همچنین، بین سبک‌های اسنادی کودکان و والدینشان ارتباط معنی‌داری مشاهده نشد.

به علاوه، لا^۵، ریجسدیک^۶ و الی^۷ (۲۰۰۶) در پژوهش خود بین سبک اسنادی نوجوانان و نشانه‌های افسردگی بعدی، رابطه معنی‌داری یافتند. لا و همکاران، مدلی طراحی کردند تا نقش عوامل محیطی و ژنتیکی^۸ را بر سبک‌های اسنادی بررسی کنند. تاثیر عوامل ژنتیکی به عنوان میانجی سبک‌های اسنادی مورد تایید قرار گرفت. همچنین سنجوان^۹، و مگالارز^{۱۰} (۲۰۰۶) به بررسی طولی اسناد رویدادهای منفی و ویژگی‌های غیر قابل کنترل، به عنوان عوامل تعیین‌کننده علائم افسردگی، پرداختند. نتایج نشان داد که افرادی که رویدادهای منفی را به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت می‌دهند، در آزمون افسردگی نمره‌های بالاتری می‌آورند. سنجوان، پرز^{۱۱}، ردا^{۱۲} و روز^{۱۳} (۲۰۰۸)، نیز در پژوهش خود، به این نتیجه رسیدند که اسناد

1 - optimism

2 - pessimism

3 - learned helplessness

4 -Yeung

5 - Leu

6 - Rijsdijk

7 -Eley

8 - genetic

9 - Sanjuan

۱۰ - Magallares

11 - Perez

12 - Rueda

13 - Ruiz

رویدادهای منفی به عوامل درونی، پایدار و کلی نه، تنها با افسردگی، بلکه با اضطراب روان شناختی و احساسات منفی رابطه دارد.

در همین رابطه، تحقیقات نشان داده اند که شناخت ها و باورهای منفی و نادرست دانش آموزان نسبت به توانایی های خود می تواند به عملکرد تحصیلی پائین منجر شود. اکثر کودکانی که عملکرد تحصیلی ضعیفی دارند از عزت نفس پایینی نیز برخوردار می باشند و خود را انسانی نالایق و کم توان می دانند. اغلب دانش آموزان با عملکرد تحصیلی پائین، سبک های اسنادی منفی و بد بینانه دارند و عملکرد تحصیلی ضعیف آن ها منجر به سبک اسنادی بد بینانه آتی نیز می شود. فرلا^۱، والک^۲ و شیتن^۳ (۲۰۰۷) در مطالعه ای تایید کردند که نسبت دادن علل موفقیت تحصیلی به عوامل کنترل پذیر، با پیامدهای شناختی، فراشناختی، انگیزشی و عاطفی مثبت و موفقیت تحصیلی همراه است.

در همین راستا، محمودی (۱۳۷۸) با بررسی سبک های اسنادی دانش آموزان دختر موفق و ناموفق شهر تهران، به این نتیجه دست یافت که برای رویدادهای مثبت، اسناد دانش آموزان موفق درونی تر، پایدارتر و کلی تر بود. برای رویدادهای منفی، اسناد دانش آموزان ناموفق درونی تر، پایدارتر و کلی تر بود. زارعی (۱۳۸۰) نیز نشان داد که برای رویدادهای مثبت، بین انگیزه پیشرفت و سبک های اسنادی، در ابعاد درونی - بیرونی، کلی - جزئی و پایدار-ناپایدار، رابطه مثبت معنی دار و برای رویدادهای منفی، بین انگیزه پیشرفت و سبک های اسنادی، فقط در بعد درونی - بیرونی رابطه منفی معنی دار مشاهده شد.

با توجه به تحقیقات فوق، در این پژوهش، سعی شد تا رابطه سبک های اسنادی (رویدادهای مثبت و منفی و مؤلفه های درونی - بیرونی، پایدار - ناپایدار و کلی - جزئی) با افسردگی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی مدارس دولتی در شهر اهواز

¹ - Ferla

² - Valcke

³ - Schuyten

مورد بررسی قرار گیرد. همان طور که گفته شد، تحقیقات خارجی رابطه سبک های اسنادی با افسردگی بزرگسالان و کودکان را به دفعات مورد بررسی قرار داده اند. در کشور ما اکثر تحقیقات مربوط به سبک های اسنادی در بزرگسالان، دانش آموزان دبیرستانی و دانشجویان انجام گرفته است، لذا نتایج این تحقیق در مورد کودکان می تواند مفید واقع شود. همچنین، فرضیه های زیر به محک آزمایش گذاشته شدند:

۱. اسناد رویدادهای منفی با افسردگی دانش آموزان رابطه مثبت دارد.
۲. اسناد رویدادهای مثبت با افسردگی دانش آموزان رابطه منفی دارد.
۳. اسناد رویداد های منفی با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه منفی دارد.
۴. اسناد رویدادهای مثبت با عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت دارد.
۵. مؤلفه های اسناد رویدادهای منفی و مثبت (درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی) پیش بینی کننده معنی دار افسردگی دانش آموزان می باشد.
۶. مؤلفه های اسناد رویدادهای منفی و مثبت (درونی- بیرونی، پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی) پیش بینی کننده معنی دار عملکرد تحصیلی دانش آموزان می باشد.

روش

جامعه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش را دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان اهواز، که در سال تحصیلی ۱۳۸۷-۸۸ مشغول به تحصیل بودند، تشکیل می دهد. بر اساس جدول کرجسی^۱ و مورگان^۲ (۱۹۷۰)، از این جامعه ۴۰۰ نفر به روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله ای انتخاب شدند. بدین صورت که ابتدا از بین چهار ناحیه آموزش و پرورش اهواز، دو ناحیه به صورت تصادفی انتخاب و در مرحله بعد به نسبت تعداد مدارس هر ناحیه، تعدادی دبستان انتخاب شدند

^۱ - Kergcie

^۲ - Morgan

(از ناحیه یک آموزش و پرورش ۴ مدرسه و از ناحیه دو ۶ مدرسه). سپس، به نسبت تعداد دانش‌آموزان هر مدرسه تعداد ۴۰۰ نفر به صورت تصادفی انتخاب گردیدند که به دلیل ناقص بودن برخی از پرسشنامه‌ها فقط ۳۷۶ مورد آن در تحلیل، دخالت داده شدند.

ابزار پژوهش

به منظور اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش مقیاس‌های زیر مورد استفاده قرار گرفتند:

۱. پرسشنامه سبک‌های اسنادی کودکان

پرسشنامه سبک‌های اسنادی کودکان توسط سلیگمن و همکاران (۱۹۸۴) تدوین شده است، این پرسشنامه شامل ۴۸ سؤال است که سبک‌های اسنادی کودکان را مشخص می‌کند. هر سؤال یک رویداد فرضی را مطرح می‌کند و آزمودنی‌ها تصور می‌کنند آن رویداد برای آن‌ها اتفاق افتاده است و برداشت خود را از آن رویداد با انتخاب یکی از دو گزینه مشخص می‌کنند. نمره‌گذاری در این پرسشنامه به این صورت است که به هر پاسخ درونی، پایدار و کلی عدد یک و به هر پاسخ بیرونی، ناپایدار و جزئی عدد صفر اختصاص داده می‌شود. در این پرسشنامه ۱۶ موقعیت فرضی وجود دارد که نیمی از آنها مثبت و نیمی دیگر منفی هستند. نمره سبک اسنادی کلی^۱ (OAS) به وسیله تفریق مجموع سبک اسنادی مثبت^۲ (CN) از سبک اسنادی منفی^۳ (CP) به دست می‌آید. بروس^۴ و همکاران (۲۰۰۶) ضریب پایایی پرسشنامه‌ی سبک‌های اسنادی را برای رویدادهای مثبت در دامنه‌ای از ۰/۷۲ تا ۰/۸۲ و برای رویدادهای منفی در دامنه‌ای از ۰/۸۰ تا ۰/۸۲ به دست آوردند. همچنین، آنها ضریب روایی این پرسشنامه را برای رویدادهای منفی ۰/۸۰ و برای رویدادهای مثبت ۰/۸۵ محاسبه کردند.

^۱ - overall attributional style

^۲ - composite negative

^۳ - composite positive

^۴ - Bruce

در پژوهش حاضر، برای محاسبه ضریب پایایی پرسشنامه سبک های اسنادی کودکان از روش های آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای رویدادهای مثبت، به ترتیب، ۰/۵۷ و ۰/۴۲ و برای رویدادهای منفی، به ترتیب، ۰/۴۵ و ۰/۴۵ به دست آمد. روایی این ابزار نیز با استفاده از روش همزمان به دست آمد. ضرایب روایی همزمان پرسشنامه سبک های اسنادی کودکان نیز برای رویداد های مثبت ۰/۵۳ و برای رویدادهای منفی ۰/۵۱ به دست آمد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ ، معنی دار می باشند.

۲. پرسشنامه افسردگی کودکان

پرسشنامه افسردگی کودکان توسط کواکس^۱ (۱۹۸۰) تدوین و توسط سلطانی فر و بینا (۱۳۸۶) ترجمه شده است. کواکس این پرسشنامه ۲۷ ماده ای را برای سنجش میزان افسردگی کودکان طراحی کرده است. هر ماده شامل سه عبارت است که معرف شدت علائم افسردگی است و ارزش عددی هر ماده از ۰ تا ۲ است. ۱۴ ماده از ۲۷ ماده به صورت مستقیم و ۱۳ ماده (۲، ۵، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۳، ۱۵، ۱۶، ۱۸، ۲۱ و ۲۵) به صورت معکوس نمره گذاری شده است. در ماده های مستقیم نمره الف برابر صفر، نمره ب معادل ۱ و نمره ج معادل ۲ می باشد؛ ولی در ماده های معکوس بر عکس نمره داده می شود. دامنه ی تغییر نمره ها از صفر تا ۵۴ است. کازدین^۲ (۱۹۹۰)، با استفاده از روش آلفای کرونباخ، ضریب پایایی آن را ۰/۸۶ و با استفاده از روش همزمان، روایی آن را ۰/۸۰ به دست آورد، که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است.

در پژوهش حاضر، برای محاسبه ضرایب پایایی پرسشنامه افسردگی کودکان از روش های آلفای کرونباخ و تنصیف استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف برای پرسشنامه ی افسردگی کودکان، به ترتیب، ۰/۷۴ و ۰/۶۸ محاسبه شد که رضایت بخش می باشند. ضریب

^۱ - Kovacs

^۲ - Kazdin

روایی این ابزار نیز با استفاده از روش همزمان ۰/۵۱ به دست آمد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است.

۳. سنجش عملکرد تحصیلی

برای سنجش عملکرد تحصیلی از معدل دانش‌آموزان استفاده شد. در این معدل‌گیری نمره‌های دو درس ورزش و هنر، به دلیل این که نمره‌های اکثر دانش‌آموزان بین ۱۹ تا ۲۰ بود، از ریز نمره‌ها حذف شد و معدل آنها مجدداً محاسبه شد.

یافته‌های پژوهش

برای تحلیل داده‌ها، از آمار توصیفی، ضریب همبستگی و رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

الف) یافته‌های توصیفی

یافته‌های مربوط به میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره آزمودنی‌ها، در متغیرهای پژوهش، در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱: میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمره دانش‌آموزان در متغیرهای پژوهش

متغیرها	شاخص آماری	میانگین	انحراف معیار	حداقل نمره	حداکثر نمره
رویدادهای مثبت	۱۴/۴۴	۳/۳۲	۴	۲۴	
رویدادهای منفی	۷/۷۰	۲/۵۰	۲	۲۱	
رویدادهای مثبت	درونی - بیرونی	۴/۵۰	۱/۷۲	۰	۸
	پایدار - ناپایدار	۴/۴۵	۱/۷۰	۰	۸
	کلی - جزئی	۵/۴۸	۱/۴۹	۲	۸
رویدادهای منفی	درونی - بیرونی	۳/۸۰	۱/۷۷	۰	۸
	پایدار - ناپایدار	۱/۷۹	۱/۳۴	۰	۷
	کلی - جزئی	۲/۱۰	۱/۱۹	۰	۶
افسردگی	۱۵/۲۸	۷/۶۶	۱	۵۲	
عملکرد تحصیلی	۱۸/۲۶	۱/۹۳	۱۱/۵۸	۲۰	

همان گونه که در جدول ۱ ملاحظه می شود، میانگین و انحراف معیار، برای اسناد رویدادهای مثبت، به ترتیب، ۱۴/۴۴ و ۳/۳۲ و برای اسناد رویدادهای منفی، به ترتیب، ۷/۷۰ و ۲/۵۰ می باشند. همان گونه که یافته ها نشان می دهند، نمره های دانش آموزان برای اسناد رویدادهای مثبت بالاتر از رویدادهای منفی است. به علاوه، میانگین و انحراف معیار ابعاد اسناد رویدادهای مثبت و منفی دانش آموزان در جدول فوق درج شده است. برای اسناد رویدادهای مثبت، میانگین ها و انحراف معیارهای ابعاد درونی-بیرونی، به ترتیب، ۴/۵۰ و ۱/۷۲، پایدار-ناپایدار ۴/۴۵ و ۱/۷۰ و کلی-جزئی ۵/۴۸ و ۱/۴۹ می باشند. علاوه بر آن، برای اسناد رویدادهای منفی، میانگین ها و انحراف معیارهای ابعاد درونی-بیرونی به ترتیب ۳/۸۰ و ۱/۷۷، پایدار-ناپایدار به ترتیب ۱/۷۹ و ۱/۳۴ و کلی-جزئی به ترتیب ۲/۱۰ و ۱/۱۹ می باشند. میانگین ها و انحراف معیارهای مقیاس افسردگی کودکان، به ترتیب، ۱۵/۲۸ و ۷/۶۶ و عملکرد تحصیلی ۱۸/۲۶ و ۱/۹۳ به دست آمدند.

ب) یافته های مربوط به فرضیه های پژوهش

جدول ۲ ضرایب همبستگی ساده ی نمره کل اسناد رویدادهای منفی و مثبت و مولفه های آن ها را با افسردگی در دانش آموزان پایه پنجم ابتدایی شهرستان اهواز نشان می دهد. در ارتباط با فرضیه ۱، جدول ۲ نشان می دهد که ضریب همبستگی بین نمره اسناد رویدادهای منفی و افسردگی ۰/۳۱ می باشد، که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است؛ ولی بر خلاف انتظار، این یافته نشان می دهد که افراد افسرده رویدادهای منفی را به عامل درونی نسبت نمی دهند. در ارتباط با فرضیه ۲، نتایج نشان می دهد که نمره کل اسناد رویدادهای مثبت و مؤلفه های آن با افسردگی رابطه منفی معنی دار دارد. ضریب همبستگی بین نمره کل اسناد رویدادهای مثبت و افسردگی ۰/۳۸- می باشد، که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. بنابراین، فرضیه ۲ تحقیق تأیید می شود.

جدول ۲: ضرایب همبستگی ساده اسناد رویدادهای منفی و مثبت و مولفه های آن ها با

افسردگی و عملکرد تحصیلی

متغیر ملاک	متغیر پیش بین	ضریب همبستگی	سطح معنی داری (p)
افسردگی	اسناد رویدادهای منفی:	۰/۳۱	۰/۰۰۱
	درونی- بیرونی	۰/۰۸	۰/۱۴
	پایدار-ناپایدار	۰/۳۲	۰/۰۰۱
	کلی- جزئی	۰/۱۸	۰/۰۰۱
	اسناد رویدادهای مثبت:	-۰/۳۸	۰/۰۰۱
	درونی- بیرونی	-۰/۱۶	۰/۰۰۱
	پایدار- ناپایدار	-۰/۳۰	۰/۰۰۱
	کلی- جزئی	-۰/۳۸	۰/۰۰۱
	اسناد رویدادهای منفی:	-۰/۱۵	۰/۰۰۱
	درونی- بیرونی	-۰/۰۶	۰/۲۴
عملکرد تحصیلی	پایدار- ناپایدار	-۰/۲۲	۰/۰۰۱
	کلی- جزئی	-۰/۱۶	۰/۰۰۱
	اسناد رویدادهای مثبت:	۰/۱۷	۰/۰۰۱
	درونی- بیرونی	۰/۰۵	۰/۲۸
	پایدار- ناپایدار	۰/۲۴	۰/۰۰۱
	کلی- جزئی	۰/۲۲	۰/۰۰۱

جدول ۲ نشان می دهد که ضریب همبستگی بین نمره کل اسناد رویدادهای منفی و عملکرد تحصیلی ۰/۱۵- می باشد که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. ضریب همبستگی بین نمره کل اسناد رویدادهای مثبت و عملکرد تحصیلی نیز ۰/۱۷ می باشد، که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. بنابراین، فرضیه های ۳ و ۴ تحقیق تأیید می شوند. همچنین، نتایج نشان داد که ضرایب همبستگی بین بعد درونی- بیرونی اسناد رویدادهای منفی و مثبت و عملکرد تحصیلی، به ترتیب ۰/۰۶- و ۰/۰۵ می باشند که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار

نیستند؛ بنابراین فرضیه های مربوط به آنها تایید نمی شود. بر عکس، برای اسناد رویدادهای منفی و مثبت، همبستگی ابعاد پایدار- ناپایدار و کلی- جزئی با عملکرد تحصیلی، در سطح $p < 0/001$ معنی دار می باشند. جدول ۳ ضرایب همبستگی چندگانه مؤلفه های اسناد رویداد های منفی و افسردگی را به روش ورود مکرر نشان می دهد.

جدول ۳: ضرایب همبستگی چندگانه مؤلفه های اسناد رویدادهای منفی و افسردگی به روش ورود مکرر

ضرایب رگرسیون β و B			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	متغیرهای پیش بین
کلی-جزئی	پایدار-ناپایدار	درونی-بیرونی				
-	-	$\beta=0/31$ $t=6/41$ $p<0/001$	$F=41/13$ $p<0/001$	0/09	0/31	پایدار-ناپایدار
-	$\beta=0/12$ $t=2/32$ $p<0/01$	$\beta=0/29$ $t=5/81$ $p<0/001$	$F=23/50$ $p<0/001$	0/11	0/34	کلی-جزئی
$\beta=0/11$ $t=2/30$ $p<0/02$	$\beta=0/13$ $t=2/49$ $p<0/001$	$\beta=0/30$ $t=5/10$ $p<0/001$	$F=17/62$ $p<0/001$	0/12	0/35	درونی-بیرونی

همان طور که در جدول ۳ مشاهده می شود، بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه به روش ورود مکرر، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی مؤلفه های اسناد رویدادهای منفی با افسردگی برابر $(MR) 0/35$ و ضریب تعیین برابر $(RS) 0/12$ می باشد، که در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، می توان گفت که در اسناد رویدادهای منفی، حدود ۱۲ درصد واریانس متغیر افسردگی توسط عوامل پایدار،

کلی و درونی تبیین می شود. جدول ۴ ضرایب همبستگی چندگانه مولفه های اسناد رویداد های مثبت و افسردگی را به روش ورود مکرر نشان می دهد.

جدول ۴: ضرایب همبستگی چندگانه مولفه های اسناد رویدادهای مثبت و افسردگی به روش ورود مکرر

ضرایب رگرسیون β و B			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	متغیرهای پیش بین
کلی - جزئی	پایدار - ناپایدار	درونی - بیرونی				
-	-	$\beta = -0.16$ $t = -3.13$ $p < 0.01$	$F = 9.84$ $p < 0.01$	0.02	0.16	درونی - بیرونی
	$\beta = -0.25$ $t = -5.13$ $p < 0.001$	$\beta = -0.14$ $t = -2.92$ $p < 0.01$	$F = 18.43$ $p < 0.001$	0.09	0.30	پایدار - ناپایدار
$\beta = -0.31$ $t = -7.11$ $p < 0.001$	$\beta = -0.14$ $t = -2.88$ $p < 0.01$	$\beta = -0.10$ $t = -2.22$ $p < 0.01$	$F = 25.96$ $p < 0.001$	0.18	0.42	کلی - جزئی

همان طور که جدول ۴ نشان می دهد، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، به روش ورود مکرر، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی مولفه های اسناد رویدادهای مثبت با افسردگی را برابر 0.42 و ضریب تعیین آن را برابر 0.18 نشان می دهد، که در سطح $p < 0.001$ معنی دار می باشند. همچنین، نقش مولفه های اسناد رویدادهای مثبت در پیش بینی واریانس متغیر افسردگی دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز معنی دار است. بنابراین، فرضیه ۵ تحقیق تایید می شود. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، مشخص شده است که نسبت دادن رویدادهای مثبت به عوامل پایدار، کلی و درونی حدود ۱۸ درصد واریانس افسردگی را

تیین می‌کند. جدول ۵ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به خرده مقیاس‌های اسناد رویدادهای منفی، با عملکرد تحصیلی را به روش ورود مکرر نشان می‌دهد.

جدول ۵: ضرایب همبستگی چندگانه مولفه‌های اسناد رویدادهای منفی و عملکرد تحصیلی به ورود مکرر

ضرایب رگرسیون β و B			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	متغیرهای پیش بین
کلی-جزئی	پایدار- ناپایدار	درونی- بیرونی				
-	-	$\beta=0/06$ $t=1/15$ $p=0/24$	$F=1/33$ $p=0/24$	0/004	0/06	درونی- بیرونی
-	$\beta=-0/20$ $t=-4/11$ $p<0/001$	$\beta=0/04$ $t=0/81$ $p=0/41$	$F=9/17$ $p<0/001$	0/05	0/22	پایدار- ناپایدار
$\beta=-0/11$ $t=-2/14$ $p<0/001$	$\beta=-0/18$ $t=-3/60$ $p<0/001$	$\beta=0/03$ $t=0/66$ $p=0/50$	$F=7/71$ $p<0/001$	0/07	0/25	کلی-جزئی

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه، به روش ورود مکرر، ضرایب همبستگی چندگانه و تعیین برای ترکیب خطی خرده مقیاس‌های اسناد رویدادهای منفی با عملکرد تحصیلی، به ترتیب، برابر ۰/۲۵ و ۰/۰۷ می‌باشند که در سطح $p < 0/001$ معنی‌دار هستند. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، مشخص شده است که نسبت دادن رویدادهای منفی به عوامل پایدار و کلی حدود ۷ درصد واریانس عملکرد تحصیلی پایین را تبیین می‌کند. جدول ۶ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به خرده مقیاس‌های اسناد رویدادهای مثبت با عملکرد تحصیلی را به روش ورود مکرر نشان می‌دهند.

جدول ۶: ضرایب همبستگی چندگانه مولفه های اسناد رویدادهای مثبت و عملکرد تحصیلی به ورود مکرر

ضرایب رگرسیون β و B			نسبت F احتمال p	ضریب تعیین RS	همبستگی چندگانه MR	متغیرهای پیش بین
کلّی- جزئی	درونی- بیرونی	پایدار- ناپایدار				
-	-	$\beta=0/17$ $t=3/22$ $p<0/001$	$F=10/50$ $p<0/001$	0/289	0/17	پایدار- ناپایدار
-	$\beta=0/04$ $t=0/88$ $p=0/37$	$\beta=0/17$ $t=3/17$ $p<0/001$	$F=5/60$ $p<0/001$	0/324	0/18	درونی- بیرونی
$\beta=0/24$ $t=4/45$ $p<0/001$	$\beta=-0/03$ $t=-0/81$ $p=0/47$	$\beta=0/13$ $t=2/72$ $p<0/001$	$F=10/60$ $p<0/001$	0/09	0/30	کلّی-جزئی

همان طور که جدول ۶ نشان می دهد، نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه، ضرایب همبستگی چندگانه و تعیین برای ترکیب خطی خرده مقیاس های اسناد رویدادهای مثبت با عملکرد تحصیلی، به ترتیب، برابر ۰/۳۰ و ۰/۰۹ می باشند که در سطح $p < 0/001$ معنی دار است. بنابراین، فرضیه ۶ تحقیق نیز تأیید می شود. با توجه به ضریب تعیین به دست آمده، مشخص شده است که حدود ۹ صدم درصد واریانس عملکرد تحصیلی را عوامل پایدار و کلّی تبیین می کنند؛ به علاوه، بعد درونی- بیرونی معنی دار نبود.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه سبک های اسنادی با افسردگی و عملکرد تحصیلی در دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهر اهواز انجام گرفت. بین اسناد رویدادهای منفی و

افسردگی رابطه مثبت مشاهده شد. یعنی، دانش آموزان با افسردگی بالا اسنادهای منفی را بیشتر به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت می‌دهند. این تأییدی بر نظریه سلیگمن است که باور دارد اسناد رویدادهای منفی به عوامل پایدار، کلی و درونی منجر به افسردگی می‌شود. این یافته‌ها با نتایج یافته‌های گیرگاس^۱، سلیگمن و نولن-هوکسیما^۲ (۱۹۸۶)، یونگ (۲۰۰۴)، فرخی، گیلانی، زمانی و حدادی کوهسار (۱۳۸۵)، ریکمن^۳، وادزورت^۴ و دیهل^۵ (۲۰۰۴)، رادریگوز^۶ (۲۰۰۶)، سنجوان و مگالارز (۲۰۰۶) و لا و همکاران (۲۰۰۶)، که معتقدند افراد بدبین رویدادهای منفی را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت می‌دهند، هماهنگی دارد.

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده شد، با استفاده از روش رگرسیون، سه مولفه اسناد رویدادهای منفی فقط ۱۲ درصد واریانس متغیر افسردگی را در دانش آموزان بر عهده دارند. بنابراین، رابطه چندگانه بین مولفه‌های اسناد رویدادهای منفی و افسردگی تأیید می‌شود. طبق نتایج مطالعه لا و الی (۲۰۰۸) سبک اسنادی منفی، یک فاکتور خطر تعیین‌کننده برای بروز افسردگی است. نتایج به دست آمده از این فرضیه بیان‌گر قدرت اسنادی رویدادهای منفی در پیش‌بینی افسردگی است. منفی بودن اسناد افراد تنها علت افسردگی نیست، بلکه همان‌طور که نظریه تجدید نظر شده درماندگی آموخته شده نشان می‌دهد، اسناد رویدادهای منفی به عوامل درونی، پایدار و کلی است که شانس ابتلا به افسردگی را بالا می‌برد (به نقل از بروس و همکاران، ۲۰۰۶). نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش‌های گیرگاس و همکاران (۱۹۸۶)، وینگ یان (۲۰۰۴)، سنجوان و مگالارز (۲۰۰۶) و لا و همکاران (۲۰۰۶)، که معتقدند بین اسناد رویدادهای منفی و افسردگی رابطه چندگانه وجود دارد و این‌که هر قدر دانش

1 - Girgus

2 - Nolen-Hoeksema

3 - Rieckmann

4 - Wadsworth

5 - Deyhle

6 - Rodriguez

آموزان بیشتر رویدادهای منفی را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت دهند به همان مقدار امکان دارد به افسردگی دچار شوند، همخوانی دارد.

به علاوه، بین اسناد رویدادهای مثبت و افسردگی رابطه منفی مشاهده شد؛ یعنی، دانش آموزان با افسردگی پایین رویدادهای مثبت را به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت می دهند. رابطه منفی و معنی دار بین متغیرهای فوق نشان دهنده آن است که هر چه اسناد کودکان از توانایی هایشان مثبت تر باشد و هر چه اسناد رویدادهای مثبت به عوامل درونی، کلی و پایدار در کودکان بیشتر تقویت شوند، کمتر احتمال دارد که به افسردگی دچار شوند. این تاییدی است بر نظریه سلینگمن، که متذکر می شود، اسناد رویدادهای مثبت به عوامل درونی، پایدار و کلی با عدم وجود علائم افسردگی همراه است. این یافته با نتایج یافته های گیرگاس و همکاران (۱۹۸۶)، وینگ یان (۲۰۰۴)، سنجوان و مگالارز (۲۰۰۶)، لا و همکاران (۲۰۰۶) و هوگل شوfer^۱، ون^۲، رف^۳ و السون^۴ (۲۰۰۶) و فرخی و همکاران (۱۳۸۵)، که معتقدند افراد با افسردگی افسردگی پایین رویدادهای مثبت را درونی، پایدار و کلی ارزیابی می کنند، هماهنگی دارد.

جدول ۴ نیز نشان می دهد که سه مولفه اسناد رویدادهای مثبت فقط ۱۸ درصد واریانس متغیر افسردگی را در دانش آموزان تبیین می کنند. بنابراین، رابطه چند گانه بین مولفه های اسناد رویدادهای مثبت و افسردگی تأیید می شود. نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش های گیرگاس و همکاران (۱۹۸۶)، یونگ (۲۰۰۴)، هوگل شوfer و همکاران (۲۰۰۶)، سنجوان و مگالارز (۲۰۰۶) و لا و همکاران (۲۰۰۶)، که معتقدند دارا بودن اسناد مثبت از رویدادها با عدم وجود علائم افسردگی در کودکان همراه است، همخوانی دارد.

¹ - Hugelshofer

² - Kwon

³ - Reff

⁴ - Olson

نتایج این پژوهش نشان داد که بین اسناد رویدادهای منفی و عملکرد تحصیلی رابطه منفی وجود دارد. شناخت‌ها و باورهای منفی و نادرست دانش‌آموزان در رابطه با توانایی‌هایشان می‌تواند منجر به عملکرد تحصیلی ضعیف شود. اغلب دانش‌آموزان با عملکرد تحصیلی ضعیف، سبک اسنادی بدبینانه دارند و متعاقباً عملکرد تحصیلی ضعیف آن‌ها منجر به سبک اسنادی بدبینانه آتی می‌شود. این یافته با نتایج یافته‌های یترز^۱ (۱۹۹۹)، (۱۹۹۹)، نگبلا^۲ و برانسکامبی^۳ (۲۰۰۳)، گیرگاس و همکاران (۱۹۸۶)، یونگ (۲۰۰۴)، سنجوان و مگالارز (۲۰۰۹) و لا و همکاران (۲۰۰۶)، که نتیجه گرفتند دانش‌آموزانی که اسناد منفی دارند عملکرد تحصیلی‌شان نیز پایین است، هماهنگی دارد.

همان‌طور که در جدول ۵ مشاهده شد، سه مولفه اسناد رویدادهای منفی فقط ۷ صدم درصد از واریانس متغیر عملکرد تحصیلی را در دانش‌آموزان تبیین می‌کنند. بنابراین، هر چند رابطه چندگانه بین مولفه‌های اسناد رویدادهای منفی و عملکرد تحصیلی معنی‌دار است، ولی مقدار اندکی از واریانس آن را تبیین می‌کنند. با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیون (β)، بعد پایدار-ناپایدار بالاترین توان پیش‌بینی را دارد؛ پس از آن بعد کلی-جزئی معنی‌دار است و بعد درونی-بیرونی معنی‌دار نمی‌باشد. با توجه به نتایج به دست آمده، اگر معلمان و والدین بخواهند به عملکرد تحصیلی فرزند خود کمک کنند، بهتر است اسناد رویدادهای منفی در آنها را به عوامل ناپایدار و جزئی تغییر دهند. سلینگمن معتقد است می‌توان به افراد آموخت که خوش‌بینانه زندگی کنند. (حسن زاده، ۱۳۸۶) نتایج حاصل از آزمون این فرضیه با نتایج پژوهش‌های یترز (۱۹۹۹)، گیرگاس و همکاران (۱۹۸۶)، یونگ (۲۰۰۴)، سنجوان و مگالارز (۲۰۰۶) و لا و همکاران (۲۰۰۶)، که معتقدند دانش‌آموزانی که رویدادهای منفی را به عوامل درونی، کلی و پایدار نسبت می‌دهند، عملکرد تحصیلی پایین‌تری دارند، همخوانی دارد.

¹ - Yates

² - N'gbala

³ -Branscombe

در خصوص رابطه بین مؤلفه های اسناد رویدادهای منفی و عملکرد تحصیلی، نتایج نشان داد که مؤلفه درونی- بیرونی با عملکرد تحصیلی رابطه معنی دار ندارد. معنی دار نشدن این رابطه ممکن است به این دلیل باشد که در سطح دبستان تعیین اسنادها به راحتی سطوح بالاتر نباشد. همچنین، ممکن است عوامل فرهنگی و خانوادگی نیز دخیل باشند که نیاز به تحقیق بیشتر است.

به علاوه، رابطه بین اسناد رویدادهای مثبت و عملکرد تحصیلی نشان داد که بین این دو متغیر رابطه مثبت معنی دار وجود دارد. رابطه مثبت و معنی دار بین متغیرهای فوق نشان دهنده آن است که هر چه کودکان بیشتر موفقیت خود را به عوامل درونی، پایدار و کلی نسبت دهند، عملکرد تحصیلی آن ها موفقیت آمیزتر خواهد شد. به عبارت دیگر، هر چه اسناد کودکان از توانایی هایشان مثبت تر باشد و هر چه اسناد رویدادهای مثبت در کودکان بیشتر تقویت شوند، به همان مقدار عملکرد تحصیلی آن ها بهبود می یابد.

نتایج تحلیل داده ها در جدول ۶ نشان می دهد که سه مؤلفه اسناد رویدادهای مثبت فقط ۹ صدم درصد از واریانس متغیر عملکرد تحصیلی را در دانش آموزان تبیین می کنند. مانند اسناد رویدادهای منفی، هر چند رابطه چندگانه بین مؤلفه های اسناد رویدادهای مثبت و عملکرد تحصیلی معنی دار است، ولی مقدار اندکی از واریانس آن را تبیین می کنند. با توجه به مقادیر ضرایب رگرسیون، بعد کلی- جزئی توان پیش بینی بالاتری دارد؛ پس از آن بعد پایدار-ناپایدار معنی دار قرار دارد و بعد درونی- بیرونی معنی دار نمی باشد. بنابراین، چنانچه دانش آموزان علل موفقیت خود را به عوامل کلی و پایدار نسبت دهند، عملکرد تحصیلی بالاتری خواهند داشت. تحقیقات متعدد (فرلا و همکاران، ۲۰۰۷؛ افروز و معتمدی شارک، ۱۳۸۶؛ نگبلا و برانسکامبی، ۲۰۰۳) نشان داده اند که اسناد رویدادهای مثبت به عوامل درونی، پایدار و کلی برای عملکرد تحصیلی موفقیت آمیز کودکان اهمیت زیادی دارد. از این رو، یکی از وظایف

خطیری که بر عهده آموزگاران گذاشته شده، این است که اسنادهای ناکارآمد کودک از توانایی هایش را تغییر دهند تا در پیشرفت تحصیلی آتی او موثر واقع شوند. (یتز، ۱۹۹۹)

در پایان، پیشنهاد می‌شود والدین و معلمان، که افراد مهم زندگی دانش‌آموزان هستند، تفاوت‌های فردی را مد نظر قرار دهند و شرایطی را فراهم کنند تا تفکر مثبت، که موجب می‌شود دانش‌آموزان خود مسئولیت شکست‌ها و موفقیت‌های خود را به عهده بگیرند، در آنها ایجاد شود. والدین و آموزگاران نباید به کودکان القا کنند که ناتوان هستند؛ زیرا این طرز تفکر خود می‌تواند منجر به شکست و اسنادهای منفی در کودک شود. به آموزگاران پیشنهاد می‌شود، با پی‌ریزی برنامه‌های هدفمند، سبک‌های اسنادی ناکارآمد دانش‌آموزان دوره ابتدایی را اصلاح کنند (باز آموزشی اسنادی) و از القا کردن این دیدگاه که کودک ناتوان است و در شکست و ناکامی‌ها همیشه او مقصر است، اجتناب ورزند.

Archive of SID

منابع

- ۱- افروز، غلام علی و معتمدی شارک، فرزانه. (۱۳۸۶). بررسی رابطه سبک های اسنادی و سلامت روان دانش آموزان تیز هوش و عادی. *مجله روان پزشکی و روان شناسی بالینی ایران*، شماره ۱۳، ۱۷۳-۱۸۱.
- ۲- حسن زاده، رمضان. (۱۳۸۶). *انگیزش و هیجان*. تهران: نشر ارسباران.
- ۳- حمیدی نیا، زیبا. (۱۳۸۷). *غلبه بر افسردگی*. تهران: نشر گلشن.
- ۴- رجیبی، غلامرضا و شهنی ییلاق، منیجه. (۱۳۸۴). اثرات جنسیت و رشته‌ی تحصیلی بر سبک‌های اسنادی دانش آموزان دبیرستانهای شهر اهواز و یافته‌های روانسنجی مقیاس. *مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز*، شماره ۲۲ (پیاپی ۴۵).
- ۵- رجیبی، غلامرضا، شهنی ییلاق، منیجه، حقیقی، جمال و شکرکن، حسین. (۱۳۸۴). بررسی رابطه علی جنسیت، عملکرد قبلی ریاضی، منابع خودکارآمدی ادراک شده ریاضی، هدف گذاری، باورهای خودکارآمدی ریاضی و سبک های اسنادی با عملکرد بعدی ریاضی در دانش آموزان سال دوم دبیرستانهای شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز*، شماره ۳، سال سوم، ۱۳۶-۱۰۱.
- ۶- زارعی، علیرضا. (۱۳۸۰). *بررسی رابطه بین سبک های اسنادی و انگیزه پیشرفت با پیشرفت تحصیلی در میان دانش آموزان سال دوم رشته ریاضی دبیرستان های دولتی شهر اراک*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت معلم، تهران.
- ۷- سلطانی فر، عاطفه و بینا، مهدی (۱۳۸۶). بررسی شیوع نشانه های افسردگی کودکان دبستانی ۹-۱۱ ساله تهران و رابطه آن با عملکرد خانواده. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، شماره ۳۳، سال نهم، ۱۴-۷.
- ۸- فرخی، حسن، گیلانی، بیژن، زمانی، رضا و حدادی کوهسار، علی اکبر. (۱۳۸۵). *رابطه سبک‌های مقابله و اسناد با افسردگی. پژوهش های روان شناختی*، شماره های ۱ و ۲، سال نهم، ۲۶-۱۱.

- ۹- محمودی، بهار. (۱۳۷۸). شناخت سبک های اسنادی دانش آموزان دختر موفق و نا موفق دوره راهنمایی شهر تهران و باز آموزی اسنادی دانش آموزان دختر نا موفق. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- ۱۰- یزدان بخش، کامران. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه سبک های اسنادی افراد افسرده، مضطرب و عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- 11-Bruce, A. E., Cole, D. A., Dallaire, D. H., Jacquez, M. F., Pineda, Q. A., & Lagrange, B. (2006). Relations of parenting and negative life events to cognitive diathesis for depression in children. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 34, 321-333.
- 12-Ferla, J., Valcke, M., & Schuyten, G. (2007) Relationships between student cognitions and their effects on study strategies. *Learning and Individual Differences*, 18, 271-278.
- 13-Girgus, J. S., Seligman, M. E., & Nolen-Hoeksema, S. (1986). Learned helplessness in children: A longitudinal study. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51(2), 435-442.
- 14-Hammen, C. (1997). *Depression*. Hove, UK: Psychology Press.
- 15-Hjelle, L. A., Busch, E. A., & Warren, H. E. (1996). Explanatory style, dispositional optimism, and reported parental behavior. *Journal of Genetic Psychology*, 157, 489-499.
- 16-Hugelshofer, D. S., Kwon, P., Reff, R. C., & Olson, M. L. (2006). Humour's role in the relation between attributional style and dysphoria. *European Journal of Personality*, 20(4), 325-336.
- 17-Kazdin, A. E. (1990). Evaluation of the automatic thoughts questionnaire: Negative cognitive processes and depression among children. *Psychological Assessment: A Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 2, 73-79.
- 18-Korman, A. K. (1977). *Organizational behavior*. New Jersey: Englewood Cliffs.
- 19-Kovacs, M. (1980/1981). Rating scales to assess depression in school-aged children. *Acta Paedopsychiatria*, 48, 305-315.
- 20-Kregcie, R. V., & Morgan, D. W. (1970). Determining sample size for research activities. *Educational & Psychological Mesurment*, 30, 607-61.

- 21-Lau, J. Y. F., Rijdsdijk, F., & Eley, T. C. (2006). I think therefore I am: A twin study of attributional in adolescence. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 47(7), 696-703.
- 22-Lau, J. Y., & Eley, T. C. (2008). Attributional style as a risk marker of genetic effects for adolescent depressive symptoms. *Journal of Abnormal Psychology*, 117, 849-862.
- 23-N'gbala, A., & Branscombe, N.R. (2003). Causal attribution and counterfactual thinking: When does performing one facilitate performance of the other. *Swiss Journal of Psychology*, 62, 209-218.
- 24-Peterson, C., & Seligman, M. E. P. (1984). Causal explanations as a risk factor for depression. *Psychology Review*, 91, 347-374.
- 25-Peterson, C., Buchanan, G. M., & Seligman, M. E. P. (1995). Explanatory style: History and evolution of the field. In G. M. Buchanan & M. E. P. Seligman (Eds.), *Explanatory Style* (pp. 1-19). Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- 26-Peterson, C., & Barrett, L. (1987). Explanatory style and academic performance among university freshmen. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 603-607.
- 27-Peterson, C., & Park, C. (1998). Learned helplessness and explanatory style. In D. F. Barone, M. Hersen, & V. B. VanHasselt (Eds.), *Advanced Personality* (pp. 287-308), New York: Plenum.
- 28-Rieckmann, T. R., Wadsworth, M. E., & Deyhle, D. (2004). Cultural identity, explanatory style, and depression in Navajo adolescents. *Cultural Diversity and Ethnic Minority Psychology*, 10, 368-382.
- 29-Rodriguez, C. M. (2006). Attributional style as a mediator between parental abuse risk and child internalizing symptomatology. *Child Maltreatment*, 11, 121-130.
- 30-Sanjuan, P., & Magallares, A. (2009). A longitudinal study of the negative explanatory style and attribution of uncontrollability as predictors of depressive symptoms. *Personality and Individual Differences*, 46(7), 714-718.
- 31-Sanjuan, P., Perez, C., Rueda, B., & Ruiz, A. (2008). Interactive effects of attributional styles for positive and negative events on psychological distress. *Personality and Individual Differences*, 45(2), 187-190.

- 32-Seligman, M. E. P. (1991). *Learned optimism*. New York: Alfred A. Knopf.
- 33-Seligman, M. E. P., Peterson, C., Kaslow, N. J., Tannenbaum, R. L., Alloy, L. B., & Abramson, L. Y. (1984). Attributional style and depressive symptoms among children. *Journal of Abnormal Psychology*, 83(2), 235-238.
- 34-Weiner, B. (1985). An attributional theory of achievement motivation and emotion. *Psychological Review*, 92, 548-573.
- 35-Yeung, W. Y. (2004). Attributional style, self-esteem and depressive symptoms Among Hong Kong Chinese children (06/07/2011) <http://www.hdl.handle.net/2031/3590>.
- 36-Yates, S. M. (1999). *Students' explanatory style, goal orientation and achievement in mathematics: A longitudinal study*. Paper presented at Australian Association for Research in Education Annual Conference, Melbourne, Australia.

Archive of SID